

Comparative Studies of the Qur'an and the Bible: Problems and Solutions

Fatima Tofighi*

Mohammad Haghani Fazl**

Abstract

A survey of the numerous works of comparative studies of the Bible and the Qur'an in Iran shows that they are far from the necessary criteria and there is seldom a research that can fit within appropriate academic comparative frameworks. To study the problems in these works and to offer solutions for them, we are reviewing all the peer reviewed articles published on a comparative scriptural study in the last ten years. We found out that the problems can be categorized in two groups: 1) Those found in all comparative works in religious studies, such as not clarifying the kind of comparison, starting with a non-problem, begging the question, the ambiguity of the reason for the selection of the items, not stating the method of analysis, or assuming the identity of non-identical concepts; and 2) those only existing in scriptural studies, such as the lack of knowledge of the text, offering a non-accurate understanding of the text, and incorrect selection of the passages. These problems will be explained using tangible examples from the articles studied.

Keywords: Comparative Studies, Comparative Theology, Exegesis, Interreligious dialogue, Methodology of Exegesis

* Assistant Professor of Religious Studies, University of Religions and Denominations, Qom
(Corresponding Author), f.tofighi@urd.ac.ir

** Postdoctoral fellow in Quranic studies, Paderborn Institute for Islamic Theology, University of Paderborn – Germany, mohammad.haghani.fazl@upd.de

Date received: 13/09/2021, Date of acceptance: 20/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس ادیان ابراهیمی:

آسیب‌شناسی و راهکارها^۱

فاطمه توفیقی*

محمد حقانی فضل**

چکیده

مروری بر آثار پرشمار مقایسه‌ای قرآن و کتاب مقدس در ایران نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها با معیارهای لازم فاصله دارند و به‌ندرت می‌توان پژوهشی را مشاهده کرد که در چهارچوب معیارها و ملاک‌های پژوهش مقایسه‌ای علمی قرار بگیرد. برای بررسی مسائل موجود در این آثار و ارائه راهکارهایی برای حل آنها، در این پژوهش تمام مقالات منتشرشده در زمینه مقایسه قرآن و کتاب مقدس در ده سال اخیر (دهه ۱۳۹۰) را در مجلات علمی-پژوهشی و نیز سه مجله تخصصی در این زمینه (هفت‌آسمان، مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس، و الاهیات تطبیقی) بررسی می‌کنیم. در جریان بررسی به این نتیجه رسیدیم که می‌توان آسیب‌های موجود را در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد: ۱. اشکالاتی که در کلیت مطالعات تطبیقی یافت می‌شوند، مانند عدم التفات به نوع مقایسه، بی‌مسئله‌گی، تحصیل حاصل بودن، عدم تبیین وجه انتخاب طرفین مقایسه، روشن‌نکردن روش تحلیل یا یکسان گرفتن مفاهیم غیریکسان؛ ۲. اشکالات مختص به مطالعات قرآن و کتاب مقدس که یا ناشی از عدم شناخت کافی از متون است یا از فهم

* استادیار، گروه دین‌پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم (نویسنده مسئول)، f.tofighi@urd.ac.ir

** پژوهش‌گر پسادکتری، گروه مطالعات قرآنی، موسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه پادربورن، آلمان،

mohammad.haghani.fazl@upd.de

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نادرست حاصل می‌شود و یا انتخاب نادرست آیات را دربردارد. همه این موارد با ذکر مثال‌هایی ملموس توضیح داده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مطالعات تطبیقی، الاهیات تطبیقی، تفسیر، گفت‌وگوی ادیان، روش‌شناسی تفسیر.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر آثار فراوانی در حوزه مطالعات قرآن و کتاب مقدس انتشار یافته‌اند که بسیاری از آنها رویکرد مقایسه‌ای در پیش گرفته‌اند. آنچه در این نوشته‌ها جلب توجه می‌کند نوع تصویری است که درباره کار مقایسه‌ای یا تطبیقی وجود دارد. در بسیاری از این آثار، این تصور جریان دارد که پژوهش مقایسه‌ای کاری ساده است که برای آن، تنها لازم است مطالب مربوطه را از دو کتاب کنار هم گذاشت؛ همان نگاهی که به دانشجویهای متوسط و ضعیف توصیه می‌کند اگر موضوع خوبی برای پایان‌نامه ندارند الف یا ب را در قرآن و کتاب مقدس مقایسه کنند. اما مروری بر این آثار پرشمار نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها با معیارهای لازم فاصله دارند و به‌ندرت می‌توان پژوهشی مشاهده کرد که در چهارچوب معیارها و ملاک‌های پژوهش مقایسه‌ای علمی قرار بگیرد.

آنچه ما را به نگارش این مقاله واداشت مشاهده کاستی‌ها و ایرادهای موجود در مقالات فارسی در این زمینه بود. از آنجا که گام اول این پژوهش، آسیب‌شناسی این مطالعات بود، تلاش کردیم تمام مقالات منتشر شده در زمینه مقایسه قرآن و کتاب مقدس در ده سال اخیر (دهه ۱۳۹۰) را در مجلات علمی-پژوهشی و نیز سه مجله تخصصی در این زمینه (هفت آسمان، مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس، و الاهیات تطبیقی) مطالعه کنیم. تقریباً تمام نمونه‌های مطرح شده در نوشته حاضر از مقالات علمی-پژوهشی برگزیده شده‌اند، زیرا فرض بر این است که این مقالات باید دستاوردی نو داشته باشند و صرفاً به گزارش و تقریر آرای پیشین نپردازند؛ اما در برخی موارد (به‌ویژه در جنبه‌هایی که به ارائه دستاوردی نو ارتباط پیدا نمی‌کنند)، نمونه‌هایی نیز از مقالات علمی-ترویجی و علمی-تخصصی مطرح شده‌اند. تمرکز این اثر صرفاً مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس ادیان ابراهیمی است و نه سایر جنبه‌های این ادیان.

با توجه به نحوه پیدایش و محتوای کاملاً متفاوت کتاب مقدس و قرآن کریم برخی ادعا می‌کنند مقایسه این دو اصولاً روا نیست. زیرا بر خلاف قرآن کریم که مستقیماً از سوی خدا صادر شده، کتاب مقدس حاصل دست انسان‌هایی در طی قرون است و بعداً به صورت متن مقدس رسمیت یافته است. با این حال، در این مقاله فرض می‌گیریم این دو کتاب به دلیل اینکه مبنای قدسی دست‌کم سه دین کتابی هستند، قابل مقایسه‌اند. هم‌چنین فرض می‌گیریم فارغ از انواع باورمندی به این دو کتاب، می‌توان نگاهی تاریخی و ادبی به آن‌ها داشت. از این رو در این مقاله، با فرض گرفتن امکان و صحت چنین مطالعاتی، آسیب‌های موجود را در دو گروه کلی دسته‌بندی می‌کنیم: ۱. اشکالاتی که در هر مطالعه تطبیقی یافت می‌شوند، مانند عدم تبیین وجه مقایسه یا یکسان گرفتن مفاهیم غیریکسان؛ البته با محوریت مطالعات مقایسه قرآن و کتاب مقدس. ۲. اشکالات مختص به مطالعات قرآن و کتاب مقدس که گروهی از آنها مربوط به ایرادات در فهم متون، و گروهی دیگر مربوط به انتخاب آیات برای مقایسه هستند.

۲. مسائل مشترک در مطالعات مقایسه‌ای

دسته‌ای از اشکالاتی که مقاله‌های ناظر به مقایسه قرآن و کتاب مقدس به آن مبتلا هستند، اشکالاتی کلی‌اند که در دیگر مطالعات مقایسه‌ای نیز مشاهده می‌شوند. در این بخش این مسائل را با محوریت مقایسه بین قرآن و کتاب مقدس بررسی می‌کنیم.

۱.۲ عدم التفات به نوع مقایسه

یکی از مبنایی‌ترین اشکالات عدم التفات و پایبندی نویسندگان به نوع مقایسه‌ای است که در صدد انجام آن هستند. مطالعات مقایسه‌ای دایره‌ای گسترده دارد و می‌تواند اهداف و مسائل متنوعی را پیگیری کند. از این رو، گاه می‌تواند به مثابه روشی در خدمت تفسیر متون مقدس و یا الاهیات مبتنی بر متن مقدس^۲ قرار بگیرد و گاه در خدمت مباحث تاریخ متن مقدس، یا حتی مسائل اجتماعی و فرهنگی باشد. در کل، عمده مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس را می‌توان ذیل یکی از چهار نوع ذیل دسته‌بندی کرد:

الف) دفاعیه‌ای-جدلی

مقایسه دفاعیه‌ای جدلی هنگامی رخ می‌دهد که مقایسه متون با پیش فرض گرفتن برتری یکی از متون مقدس بر متون دیگر و با هدف اثبات این برتری صورت می‌گیرد. در این نوع آثار معیار بررسی معمولاً سازگاری با ارزش‌های بیان شده در کتاب مقدس مورد اعتقاد فرد پژوهش‌گر است، آن هم معمولاً طبق تفسیری خاص از آن متن.

(ب) بررسی دادوستد و تعاملات تاریخی

در این نوع مطالعه مقایسه‌ای متون کنار هم قرار می‌گیرند تا با برجسته کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها، بررسی شود که ممکن است چه دادوستدی با هم کرده باشند. این نوع پژوهش‌ها ابتدا درباره رابطه متون مختلف در کتاب مقدس با متون متقدم یا معاصر مطرح شد. در فضای اسلام‌شناسی و نیز مطالعات ادیان ابراهیمی، این پژوهش‌ها عمدتاً به رابطه قرآن با متون معاصر مسیحی یا یهودی در شبه‌جزیره عربستان ناظرند و هدف از آنها نشان دادن نوع واکنش قرآن به متون یهودی و مسیحی است. در سده‌های گذشته بسیاری از خاورشناسانی که به این نوع مطالعات می‌پرداختند، درصدد اثبات وام‌گیری قرآن از متون پیشین بودند. اما در دوره‌های متأخرتر بسیاری بر این نظریه‌اند که قرآن در حال تعامل با میراث یهودی و مسیحی پیش از خود (از جمله کتاب مقدس) و نشان دادن واکنش به فضای فکری عمدتاً یهودی و مسیحی است.

(ج) با رویکرد پدیدارشناسی دین

این نوع مطالعات مقایسه‌ای بسیار وامدار دین‌شناسی تطبیقی و به‌ویژه جریان پدیدارشناسی دین در مطالعات ادیان است. در پدیدارشناسی دین با در پراکنش گذاشتن مسئله صدق و کذب محتوای تجربه دینی، کوشش می‌شود از طریق همدلی با تجربه دینی دینداران، ظهور و بروز امر قدسی در فرهنگ‌های گوناگون مطالعه شود. پدیدارشناسان دین معمولاً به صورت کاملاً غیرتاریخی گزیده‌ها و مفاهیم و متونی را از ادیان و فرهنگ‌های مختلف کنار هم می‌گذارند تا نشان دهند گوهری مشترک چگونه در موقعیت‌های تاریخی گوناگون پدیدار شده است. کتاب یهودیت، مسیحیت، اسلام اثر اف. ای. پیترز (۱۳۸۴) یا تاریخ خداآوری اثر کارن آرمسترانگ (۱۳۸۵) از این دست آثار است. این رویکرد به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و در فضای دعوت به گفت‌وگو و همگرایی میان فرهنگ‌ها و ادیان شکل گرفته و عمده کسانی که با این رویکرد فعالیت می‌کنند، مایل‌اند فضای گفت‌وگو و همگرایی را با استفاده از این مفاهیم مشترک پیش ببرند. اکثر آثار ایرانی مربوط

به مقایسه متون مقدس هم گویا در این فضا شکل گرفته‌اند. این نوع از مطالعات تطبیقی گاهی پا از دایره متن پژوهی و نظورری الاهیاتی بیرون می‌گذارد و با اهدافی عمل‌گرایانه انجام می‌شود؛ مثلاً برای پیدا کردن راهی که بتوان بر اساس آن ادیان را به همکاری در مسائلی مانند مقابله با گرمایش جهانی برانگیخت.

د) الاهیات تطبیقی

الاهیات تطبیقی گرایشی نسبتاً متاخر در میان الاهیدانان است که در آن کوشش می‌شود از بینش‌های حاصل از ادیان دیگر برای فهمی نو از دین خود استفاده کند. برای نمونه با وجود تفاوت‌هایی جدی درباره توصیف مسیح در قرآن کریم و عهد جدید (و البته شاید به دلیل همین تفاوت‌ها که می‌توانند ذهن و فهم الاهیدان را به سمت‌وسویی جدید سوق دهند) الاهیدان مسیحی می‌تواند از طریق خواندن قرآن، فهم خود از مسیح را غنا بخشد. این شیوه کار تطبیقی به‌ویژه برای کسانی مفید است که نه به دنبال فضای جدلی هستند و نه صرف بیان اشتراکات در ادیان از منظری بی‌طرفانه راضی‌شان می‌کند. نگاه آنان به متون مؤمنانه است و بناست در جهت فهم بهتر از دین خودشان قرار بگیرد (برای آشنایی با این رویکرد، ر.ک: صادق‌نیا، ۱۳۹۷). گرچه این نوع مطالعه می‌تواند نتایج جالب و قابل توجهی برای فهم دینی در پی داشته باشد، نویسندگان ایرانی تاکنون بسیار کم از آن استفاده کرده‌اند.

نکته بسیار مهم آن است که هر یک از این انواع (به‌ویژه سه نوع اخیر که خود را به‌عنوان مطالعه‌ای «علمی» تعریف می‌کنند و سعی دارند از فضای جدلی و ردیه‌نویسی دور شوند)، چارچوب‌های خود را دارند؛ به این معنا که اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند و روش‌هایی دارند که مطابق با آن اهداف هستند. لذا پژوهشگری که به کار مقایسه‌ای و تطبیقی می‌پردازد، باید معلوم کند مطالعه او از کدام نوع است. البته ممکن است نوشته‌ای تطبیقی ذیل دو یا حتی سه نوع از مطالعات بالا قرار بگیرد، که در این صورت نیز باید تعیین شود هر بخش از کار ذیل کدام نوع قرار می‌گیرد. عدم توجه به این مسئله و عدم رعایت چارچوب انواع مقایسه، یکی از مشکلات اساسی این دست پژوهش‌هاست که می‌تواند به بی‌حاصلی آن پژوهش مقایسه‌ای بینجامد. می‌توان بسیاری از مشکلات و نمونه‌هایی که در ادامه ذکر می‌شود را به‌نوعی محصول همین بی‌توجهی به لزوم رعایت چهارچوب متناسب با نوع مطالعه تطبیقی دانست.

۲.۲ بی‌مسئله‌گی یا مسئله‌ ساختگی

یکی از مهم‌ترین مشکلات مطالعات مقایسه‌ای این است که مقایسه صرفاً برای خود مقایسه انجام می‌شود؛ در واقع، در این موارد نویسنده با افزودن «و کتاب مقدس» به عنوان پژوهش خود، موضوعی تصنعی ایجاد می‌کند. ساختار اینگونه مقالات معمولاً به این صورت است که آیات مربوط به یک موضوع ابتدا در قرآن و سپس در کتاب مقدس بیان می‌شود و نتیجه‌گیری مقاله نیز بیان فهرستی از شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. اما چنان‌که در بالا اشاره شد، یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در هر یک از انواع مطالعه مقایسه‌ای باید با هدف رسیدن به نتیجه‌ای خاص باشد و اگر چنین نتیجه‌ای در مقاله بیان نشود، مقایسه‌ای علمی نیست. گردآوری شباهت‌ها و تفاوت‌ها، البته اگر کامل و دقیق باشد، می‌تواند صرفاً نمایه‌ای برای پژوهشگران به حساب بیاید.

گاهی نویسندگان تصور می‌کنند که صرف بیان اشتراکات به همگرایی بیشتر می‌انجامد، اما یا این هدف را بیان نمی‌کنند یا اگر هم بیان کنند، در نتیجه‌گیری روشن نمی‌شود که اشتراکات ادعایی چگونه به همگرایی و همزیستی میان پیروان ادیان منجر می‌شود. برای نمونه، نویسندگان مقاله «بررسی و تحلیل ضمانت‌های اجرایی منفی در تورات، انجیل و قرآن کریم» گرچه تصریح می‌کنند که هدفشان از نگارش مقاله برداشتن گامی در مسیر استفاده از روش‌هایی نو در گفت‌وگوی ادیان است، توضیح نمی‌دهند که بیان این اشتراکات چگونه هدفشان را محقق می‌سازد (محسنیان راد و الویری، ۱۳۹۷: ۶۴).

نمونه‌ای دیگر از مسئله‌شناسی غلط آن است که گفته شود دلیل انجام مقایسه این بوده که تا به حال مقایسه‌ای در یک موضوع خاص بین دو متن صورت نگرفته است (کمپجانی و کاظمی مقدم، ۱۳۹۷: ۵۷). چنین دلیلی انجام مقایسه را موجه نمی‌سازد؛ زیرا چنان‌که اشاره شد مقایسه باید به یکی از اهداف فوق کمک کند و سؤال یا مشکلی را حل کند. انجام مقایسه صرفاً به این دلیل که کسی آن را انجام نداده، مانند آن است که بگوییم در منطقه‌ای پلی زده‌ایم یا چاهی کنده‌ایم چون در آنجا پل یا چاهی نبوده، درحالی‌که کاملاً ممکن است دلیل نبود پل یا چاه این بوده که در آنجا نیازی به چنین چیزی وجود نداشته است. این مشکل دقیقاً به این دلیل پیش می‌آید که در نظر بسیاری از دانشگاهیان ایرانی پیشینه تحقیق صرفاً برای نشان دادن بدیع بودن موضوع ذکر شده است، در حالی که یکی از کارکردهای مهم پیشینه این است که نشان دهد چرا مسئله‌ای برای

جامعه علمی موضوعیت و اهمیت دارد و قرار است کدام مسئله حل شود یا کدام نوآوری ارائه شود. به عبارت دیگر بسیاری از پژوهشگران به جای اینکه توضیح بدهند کاری تا به حال انجام نشده، باید نشان بدهند کدام زاویه نادیده را قرار است بکاوند، یا کدام کاستی در تحقیقات سابق را قرار است رفع کنند، یا چه سؤالات نوی را طرح خواهند کرد.

گاهی نیز گرچه در بیان مسئله پژوهش، پرسش یا هدفی خاص برای مقایسه تصویر می‌شود، در نهایت باز هم مقایسه فقط برای مقایسه انجام می‌شود. برای نمونه نویسنده مقاله «عهد» در کتاب مقدس و قرآن کریم» ابتدائاً می‌گوید: «راه نجات و رستگاری انسان در تمامی ادیان التزام بر مفاد معاهده الهی و تسلیم در برابر تکلیف الهی است. از این رو، بررسی عهد در قرآن کریم و متون عهدین، به منظور دستیابی به محتوای عهد الهی در ادیان و یافتن وجود اشتراک و اختلاف میان این متون مقدس، بسیار راهگشا خواهد بود» (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۲: ۶). اما در پایان مقاله، این سوال باقی می‌ماند که یافتن این اختلاف‌ها و اشتراک‌ها برای حل کدام مسئله یا ارتقای کدام فهم «راهگشا خواهد بود»؟ زیرا در پایان هیچ جدیدی از «عهد» به دست داده نمی‌شود و هم‌چنین هیچ نتیجه تازه‌ای که به درد دینداری و یا فهم فرد مسلمان بخورد، ارائه نمی‌شود. اگر نویسنده مقاله را در چارچوب یکی از انواع مطالعات مقایسه‌ای، مثلاً الاهیات تطبیقی، قرار می‌داد، اثری مقبول‌تر بود؛ یعنی با بازخوانی مفهوم عهد در کتاب مقدس به فهمی جدید یا بهتر از عهد در قرآن می‌رسید و این یافته جدید را در نتیجه‌گیری خود بیان می‌کرد. چنان‌که پیش‌تر هم گفته شد، یک نوع مقایسه موفق و موجه مقایسه‌ای است که به فهم یکی از متون کمک کند. نمونه‌ای خوب و نادر از مقایسه نقد زبان‌شناسانه تطبیقی در مقاله «دلالت‌های معنایی «قرن» در زبان عربی و عبری و ارتباط آن با «ذوالقرنین» در قرآن کریم و کتاب مقدس» یافت می‌شود. در این مقاله نویسنده می‌کوشد با استفاده از ریشه و معنای حقیقی «قرن» و کاربرد آن در کتاب مقدس به معنای مجازی «ذوالقرنین» در قرآن پی ببرد (قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰). جالب است که این نمونه خوب نه در یک نشریه قرآن‌پژوهی یا دین‌پژوهی بلکه در یک نشریه زبان‌شناسی منتشر شده است.

۳.۲ تحصیل حاصل بودن مقایسه

یکی از اهداف مقایسه در میان نویسندگان مسلمان نشان دادن برتری قرآن کریم بر کتاب مقدس یا تحریفی بودن کتاب مقدس است که گاه در مقاله به این هدف تصریح می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱). یکی از اشکالات رایج در این سنخ مقالات آن است که صرفاً تکرار مدعا هستند و شاهد یا یافته‌ای مطابق معیارهای علمی ارائه نمی‌کنند. این نوع پژوهش‌ها زمانی جزو پژوهش‌های علمی به حساب می‌آیند که به صورت روشمند و با معیارهای روشن وجه برتری قرآن ترسیم شود. چنین کاری به خصوص زمانی جالب تر خواهد شد که به ظرایف تاریخی یا ادبی که موجب تفاوت شده، توجهی ویژه شود. اما این دست مقالات و نوشته‌ها عموماً دچار مشکلات بزرگی هستند؛ مهم‌ترین مشکل آنکه در این آثار معمولاً ملاک برتری متنی بر متن دیگر روشن نیست. برای نمونه، حسام‌الدین حسینی (۱۳۹۱) با توجه به ادعای قرآن مبنی بر «اقوم» بودن (اسراء ۹) یا «تبیانا لکل شیء» بودن (نحل ۸۹)، جامعیت قرآن را نتیجه می‌گیرد و می‌خواهد نشان بدهد چگونه توصیف فرشتگان در قرآن نیز تأییدی بر این جامعیت است (حسینی، ۱۳۹۱). در این مقاله تبیین نمی‌شود که چگونه توصیف مبسوط تر فرشتگان در قرآن آن را «مهیمن» و «اقوم» می‌سازد. هم‌چنین نویسندگان مقاله‌ای پیرامون مقایسه قوانین در متون شرعی یهودیت و اسلام، در مواردی که حکم یهودیت شدیدتر از اسلام است نتیجه می‌گیرند «دین مقدس اسلام افراط آیین یهود را به اعتدال و میانه‌روی بازآورد» و اگر شدتی در مجازات اسلامی دیده می‌شود، «براساس مصلحت نوع انسان و رسیدن جامعه به صلح و آرامش و امنیت عمومی» است (غفوری‌نژاد و رسولخانی شهنائی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). یعنی در مقایسه هم ملایمت بیشتر دین اسلام در برخی قوانین ستودنی است و هم شدت آن قابل توجیه؛ زیرا در این مقایسه ملاک مشخصی مطرح نیست و هدف صرفاً نشان دادن برتری یک دین بر دیگری است. بسیاری از این آثار چون هدف برتری را دنبال می‌کنند، دچار اشکالات دیگری نیز می‌شوند، از جمله این‌که به صورت گزینشی با متون برخورد می‌کنند یا آنکه در حالی که از ظاهر قرآن دست می‌کشند و به تفسیر آن آیه استناد می‌دهند، در تحلیل کتاب مقدس با رویکردی ظاهرگرایانه صرفاً متن را ملاک قرار می‌دهند.

از جمله اشکالات مبنایی که در این آثار مشاهده می‌شود آن است که بسیاری از آنها با فرض محرف بودن کتاب مقدس آغاز می‌شوند. این آثار نظرات متفکران مسلمانی را که این

فرض را به مناقشه کشیده‌اند، لحاظ نمی‌کنند. یعنی سخن خود را بر این فرض بنا می‌کنند که بدیهی است کتاب مقدس تحریف شده باشد، در حالی که این فرض به هیچ وجه بدیهی نیست (توفیقی، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۳۶؛ طباطبایی و مهدوی‌راد، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۷۹). مبنای قرارداد نظریه تحریف، علاوه بر اینکه به دیگر نظریه‌های موجود بی‌توجهی می‌کند، گاهی موجب بی‌حاصلی مقایسه نیز می‌شود. نویسندگان مقاله «بررسی تطبیقی انتخاب طالوت به‌عنوان پادشاه بنی‌اسرائیل در تفسیر قرآن و عهد عتیق» از ابتدا مبنای کار خود را بر این می‌گذارند که قرآن مصون از تحریف است و تحریف در عهدین اثبات شده است و از این رو «تنها منبع مورد اعتماد برای داستان‌های مشترک، قرآن است» (کدکنی و فاکرمبیدی، ۱۳۹۷: ۱۶۲). در این صورت، این مقایسه یا تطبیق چه موضوعیتی دارد؟ یعنی اگر کسی مدعی شود قرآن از کتاب مقدس اقتباس کرده است، می‌توانیم بدون مقایسه و تطبیق، به او بگوییم تورات تحریف شده است و قرآن نه، و تنها منبع مورد اعتماد برای داستان‌های مشترک قرآن است و به نتیجه مورد نظر که رد مدعای اقتباس است برسیم؟ در این صورت دیگر چه لزومی دارد که مقایسه یا تطبیق کنیم؟ به عبارت دیگر، پرسش مقاله این است که آیا قرآن از کتاب مقدس اقتباس کرده است، اما از همان آغاز مبانی‌ای را برای بحث می‌چیند که صورت مسئله را پاک می‌کند و دیگر مسئله‌ای باقی نمی‌ماند که لزومی به مقایسه باشد. چنین مقایسه‌ای تنها در صورتی موجه است که تحصیل حاصل نباشد، یعنی مقایسه با این هدف انجام شود که شاهدی بر مدعای فوق بیاورد و ادبیات بحث را غنا بخشد.

۴.۲ عدم تبیین وجه انتخاب طرفین مقایسه

در بسیاری از آثار مقایسه‌ای ملاک انتخاب دو طرف مقایسه مشخص نشده است. با توجه به پژوهش‌های فراوانی که امروزه نشان می‌دهند که ادبیات و الاهیات و سبک هر بخش از کتاب مقدس (چه عهد عتیق و چه عهد جدید و چه بخش‌های گوناگون آنها) تاریخ و خصوصیات خاص خود را دارد، پژوهشگر باید توضیح بدهد که چرا قرآن را با تمام کتاب مقدس مقایسه می‌کند و یا اگر با بخشی خاص مقایسه می‌کند، چرا با آن بخش مقایسه می‌کند.^۳ برای مثال، چنان‌که نویسندگان مقاله «ویژگی‌ها و کارکرد حکمت در کتاب مقدس عبری و قرآن»، خود نیز متذکر شده‌اند کتب حکمت مشابه دیگر بخش‌های کتاب

مقدس عبری، یعنی تورات و انبیای پیشین، نیست بلکه ادبیات ویژه و منحصر به فرد خود را دارد (امیرزدانی و هوشنگی، ۱۳۹۷)؛ اما تبیین نمی‌کنند که چرا در مقایسه خود بر این بخش از کتاب مقدس تأکید کرده‌اند، حال آنکه فضای این کتاب‌ها در نگاه اول با فضای قرآن بسیار متفاوت به نظر می‌رسد و خواننده نیاز دارد با دلیلی موجه به روآبودن این مقایسه پی ببرد.

دسته دیگری از مقایسه‌های ناروا مقایسه‌هایی هستند که گرچه هدفشان بررسی تاریخی ربط و نسبت قرآن با کتاب مقدس است، به شواهد تاریخی کم‌توجهی کرده و بدون در نظر گرفتن میراث یهودی مسیحی به مقایسه قرآن و کتاب مقدس می‌پردازند. برای نمونه وصفی و شفیع (۱۳۹۶) در نتیجه‌گیری مدعی می‌شوند: «بدین ترتیب، روشن می‌شود که معنا و کاربرد دو کلیدواژه نبی و رسول در قرآن، پیوندی تنگاتنگ با معنا و کاربرد آن‌ها در کتاب مقدس دارد» (وصفی و شفیع، ۱۳۹۶: ۲۲۷). در اینگونه موارد به چه دلیلی از خود قرآن به کتاب مقدس جهش می‌زنند؛ زیرا اینجا بحث تاریخی مهمی وجود دارد و آن این‌که میراث کتاب مقدسی چطور به شبه‌جزیره رسیده است. به نظر می‌رسد در این موارد توجه به میدراش‌های یهودی و موعظه‌نامه‌ها و نیایش‌نامه‌های سریانی نقش مهم‌تری بازی می‌کنند و دلیلی ندارد که در این سنخ از موارد مستقیماً به کتاب مقدس رجوع کرد (دست‌کم نویسنده باید دلیل خود را بیان کند که چرا این میراث را نادیده می‌گیرد و مستقیماً به سراغ کتاب مقدس می‌رود). توفیقی (۱۳۹۰) نیز دچار همین اشکال شده است. او پس از معرفی کاربری‌های مفهوم «فرزندان خدا» در عهد عتیق و عهد جدید به این می‌پردازد که قرآن کریم با کدام کاربری موافق و با کدام مخالف بوده است؛ اما از آنجا که به متون معاصر قرآن ارجاع نمی‌دهد، روشن نمی‌کند که آیا این کتاب درباره باورهای رایج در محیط مسیحی و یهودی خود موضع گرفته یا نه.

۵.۲ روشن نکردن روش تحلیل

چنان‌که در اشکال اول، یعنی عدم‌التفات به نوع مقایسه بیان شد، هر نوع از مطالعه مقایسه‌ای چهارچوبی دارد که باید روشی متناسب با آن داشته باشد؛ لذا کسی که مسئله خود را صرفاً کشف دادوستد تاریخی بین دو متن معرفی می‌کند، نمی‌تواند و نباید از روش‌های الاهیاتی استفاده کند. حتی در مواردی که انواع روش‌ها به کار برده می‌شود، تفکیک میان آنها باید

برای خود نویسنده روشن باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت در مطالعات کتاب مقدس دو روش اصلی حاکم است: روش تاریخی و روش ادبی. تحلیل تاریخی به‌معنای بررسی متن در زمینه تاریخی خودش است؛ یعنی از مقصود مولف در زمینه تاریخی‌اش مطلع شویم. این کار مستلزم شناخت مؤلف/مؤلفان، چنددستی متن با توجه به تعدد مؤلفان، شرایط تألیف شفاهی یا کتبی متن، دایره معنایی واژه‌ها در زمان ظهور متن، شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی با استفاده از علوم باستان‌شناسی و تاریخ اجتماعی، دادوستدهای فرهنگی متن با متون دیگر و... است. اما روش ادبی با متن تمام‌شده سروکار دارد. نه‌تنها صنایع ادبی و بلاغی درون متن، بلکه شباهت‌های ادبی آن با متون دیگر و ارجاعات ادبی به آنها هم برای فهم اهمیت می‌یابد. چنان که گفتیم، ممکن است پژوهشی بر هر دو نوع تحلیل تاریخی و ادبی مبتنی باشد. ولی باید مرز این تحلیل‌ها برای پژوهشگر روشن باشد و چه‌بهر که نویسنده تصریح کند پژوهشش تاریخی است یا ادبی. به‌عنوان نمونه‌ای موفق، می‌توان به سه مقاله که مهدی محسنیان راد و همکارانش نوشته‌اند، اشاره کرد. گرچه روش تحلیل محتوای عمقی در مطالعات کتاب مقدس چندان رایج نبوده است، نویسندگان هم به استفاده از این روش تصریح کرده‌اند و هم آن را به خوبی به کار برده‌اند (محسنیان راد و باهنر، ۱۳۹۰؛ محسنیان راد و الویری، ۱۳۹۱؛ محسنیان راد و همایون، ۱۳۹۷).

اما به نظر می‌رسد مقاله «نبی» و «رسول» در کتاب مقدس و قرآن» (وصفی و شفیعی، ۱۳۹۶) برای اثبات مدعای خود که ناظر به واژگان نبی و رسول است، روش لازم و درست را انتخاب نکرده است؛ زیرا وقتی این مقاله ادعای وجود پیوند بین کاربرد این دو واژه در قرآن با کتاب مقدس را می‌کند، باید نشان دهد آن واژه‌ها چطور در قرآن امتداد پیدا کرده‌اند؛ مثلاً آیا این امتداد فقط از جهت معناست یا از جهت لفظی هم است. با این حال، در هیچ‌جا مباحث مربوط به الفاظ به کار رفته در این متون را نمی‌بینیم.

۶.۲ یک‌سان‌نبودن/ تاریخ‌پریشی مفاهیم مورد مقایسه

یکی از مسائل مهم در مطالعات مقایسه‌ای دقت به یکسانی یک مفهوم در طرفین مقایسه است. اما گاه دیده می‌شود که پژوهشگران به‌صرف شباهت لفظی یک مفهوم در دو متن سعی در تطبیق آنها با یکدیگر دارند. در مواردی نیز مشاهده می‌شود که تبیین مفهوم در دو کتاب از استحکام لازم برخوردار نیست و برای نشان دادن شباهت یک مفهوم در

دو متن، توصیفات و مستندات به نحوی گزینشگرانه ارائه می‌شوند. برای نمونه مقاله‌ای درباره توصیفات دشمن در قرآن و کتاب مقدس، برای آنکه تعریف از دشمن در این دو متن ارائه بدهد که به همدیگر شباهت داشته باشند، در مورد متن یهودی به یک کتاب دست دوم ارجاع می‌دهد یا آیتی را مستند قرار می‌دهد که ارتباط آنها به مفهوم دشمن در تنخ، صریح نیست و نیازمند تفسیر است (شبان‌ی و جلالی کندی، ۱۳۹۶: ۱۸۸-۱۸۹). در حالی که در چنین مواردی برای تبیین آن مفهوم معمولاً باید به سراغ تحلیل کاربردهای لفظی یا معنوی آن کلمه یا مفهوم در متن مقدس، یا دیگر روش‌های متناسب، رفت. از این رو، می‌بینیم در این تحقیق نقش کسانی که صرفاً به دلیل زندگی در ارض مقدسه «دشمن» خوانده می‌شدند، چندان پررنگ نیست و تبیینی درخور برای آن ارائه نشده است (شبان‌ی و جلالی کندی، ۱۸۸-۱۸۹).

از جمله اشکالات رایج در مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس زمانی است که پژوهش‌گر قصد دارد مفهومی مدرن را در این متون مقایسه کند؛ در نتیجه بسیار مشاهده می‌شود که مفهومی مدرن بر متنی باستانی تحمیل شده است. این در حالی است که به‌صرف شباهت‌های اولیه، نمی‌توان مفهومی را از بافت تاریخی آن جدا کرد و به دوره تاریخی دیگری برد، و برای چنین کاری حتماً باید شواهدی مبنی بر امکان و روایی چنین کاری ارائه شود. برای مثال، مفهوم «نژاد» که بیشتر در اروپا و امریکای مدرن رواج یافته،^۴ با برگزیدگی قومی کاملاً متفاوت است و نمی‌توان آنچه را یهودیان یا مسیحیان در قالبی نژادپرستانه درباره نژادهای سامی یا آریایی می‌گفتند (شبان‌ی و جلالی کندی و هوشنگی، ۱۳۹۵) به خود کتاب مقدس و تلمود ربط داد. روشن است که برای مؤمنان ارتباط برقرار کردن با متن مقدس مستلزم این است که فاصله مفهومی خود را با آن کم کنند و به همین دلیل چاره‌ای جز برداشت این مفاهیم از متن مقدس ندارند. ولی در کار علمی باید در ابتدا به این تفاوت‌های مفهومی تصریح کنند تا دست‌کم التفات آنان به این تفاوت‌ها و منعطف بودن برداشت‌های الاهیاتی مشخص شود.

۳. اشکالات مربوط به مقایسه بین قرآن و کتاب مقدس

۱.۳ عدم شناخت کافی از کتاب مقدس

علاوه بر موارد کلی‌ای که در بالا ذکر شد، انجام پژوهش مقایسه‌ای بین کتاب مقدس و قرآن نیازمند دانش درست و دقیق از این دو متن هم است. از جمله اشکالات رایج این است که کسانی که قرآن را می‌شناسند، اما شناخت کافی از کتاب مقدس ندارند، به چنین مقایسه‌ای دست می‌زنند. به همین دلیل گاه خطاهایی بسیار ابتدایی در این مقالات مشاهده می‌شود. این دست پژوهش‌ها به شدت مستعد خلط‌های نامتناسب تاریخی و ادبی هستند؛ برای مثال، در یکی از مقالات به این اشاره می‌شود که عیسی در صحیفه هوشع «پادشاه» خوانده شده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۷)، در حالی که چنین نکته‌ای در هیچ جای عهد عتیق نیامده است (و اگر مبنای نویسنده تفسیری خاص یا برداشتی خاص از کتاب هوشع بوده، چنین چیزی در مقاله بیان نشده است). به نظر می‌رسد اینکه برخی از این مقالات در ابتدای مقاله به معرفی کتاب مقدس می‌پردازند، ناشی از همین امر باشد. این درحالی است که فرض می‌شود مخاطب مقاله علمی-پژوهشی در زمینه مقایسه قرآن و کتاب مقدس، شناخت اولیه از این متون را دارد که سراغ چنین مقاله‌ای آمده است. علاوه بر این، در چنین پژوهشی، معرفی اجمالی غیردقیق کتابی که از نوشته‌های متعدد تشکیل شده و هر بخش آن تاریخی مجزا دارد، چه ثمره‌ای دارد؟ همچنین مشاهده می‌شود گاه در این مقالات از عناوینی استفاده می‌شود که در بین غیرمتخصصان رواج دارد؛ مثلاً اشاره به «عهد عتیق» و «عهد جدید» به ترتیب با عناوین «تورات» و «انجیل» (محسنیان راد و الویری، ۱۳۹۱) دقیق نیست. گرچه کتاب مقدس عبری گاه در میان یهودیان با واژه بسیار گسترده «تورات» شناخته می‌شود، برای خواننده تخصصی این واژه چندان مفید معنا نیست؛ زیرا در یهودیت تورات چندین معنای متفاوت می‌تواند داشته باشد: اسفار پنجگانه، کل کتاب مقدس عبری، مجموع تورات مکتوب و تورات شفاهی (تلمود) و کل آموزه‌های یهودی. «انجیل» هم در ادبیات مسیحی به معنای «مژده» است و به‌طور خاص درباره چهار انجیل به کار می‌رود و هیچ‌گاه به معنای کل مجموعه عهد جدید نیست. بنابراین بهتر است نویسندگان از تعبیرات شناخته‌شده‌تر عهد قدیم/عتیق (یا کتاب مقدس عبری) یا عهد جدید استفاده کنند.

۲.۳ اشکالات مربوط به فهم متن

می‌توان اشکالات ناشی از عدم رعایت معیارهای لازم در رجوع به قرآن و کتاب مقدس را ذیل دو دسته قرار داد: اشکالات مربوط به فهم متن، و اشکالات در انتخاب آیات مورد مقایسه.

۱.۲.۳ رجوع به ترجمه‌ها به جای متن اصلی

بی‌توجهی و کم‌دانشی در حوزه واژگان یکی از مسائل رایج در مطالعات تطبیقی بین قرآن و کتاب مقدس است. بسیاری از نویسندگان در حالی که درباره قرآن به متن اصلی رجوع می‌کنند و سعی در تحلیل لغوی آیات دارند، درباره کتاب مقدس به ترجمه فارسی یا انگلیسی رجوع می‌کنند. این کار در حالی است که ممکن است ترجمه‌ها تحت‌تأثیر سلیق فرهنگی و سیاسی یا اشتباهات علمی شکل گرفته باشد. گاهی نویسندگان حتی همین رجوع به ترجمه‌ها را هم به صورت غیرروشمند انجام می‌دهند و علی‌رغم آن‌که ترجمه‌های بسیار متعدد و متفاوتی از کتاب مقدس وجود دارد، تعیین نمی‌کنند که کدام ترجمه را مبنای کار خود قرار داده‌اند. در اثر این ترجمه‌محوری است که مثلاً مشاهده می‌شود در مقاله‌ای پیرامون پیامبران در کتب مقدس، برای فهم معنای «پیامبر» به فرهنگ معین و دانشنامه Americana استناد می‌شود، در حالی که نه فارسی و نه انگلیسی زبان اصلی کتب مقدس مورد بررسی نیستند (محسنیان راد و همایون، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱۴۴).

می‌توان تصور کرد در مواردی که صرفاً مضمون آیات مدنظر است، رجوع روش‌مند به ترجمه‌ها کفایت کند؛ اما رجوع به ترجمه‌ها به هنگام تحلیل واژگان کاری غیرموجه است؛ زیرا ترجمه‌ها هرگز نمی‌توانند تمام شبکه معنایی متن اصلی را منتقل کنند. در ضمن هیچ‌گاه نمی‌توان مطمئن بود که مترجم تمام مواردی که یک واژه در متن اصلی آمده است را به یک شکل یکسان ترجمه کرده باشد. از این رو، محققان نباید ترجمه‌ها را مبنای یافتن واژه‌ها و آیات مربوط به موضوع خود قرار بدهند. برای نمونه در مقاله‌ای با عنوان «عهد» در کتاب مقدس و قرآن کریم» گفته می‌شود که «عهد» معادل Testament و «پیمان» معادل Covenant است (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۲: ۱۰) و سپس بیان می‌شود که Testament ۲۷۰ بار و covenant ۱۴ بار به کار رفته است و بر اساس آیاتی که این کلمات در آنها به کار رفته، به تحلیل می‌پردازد، حال آنکه برای چنین کاری حتماً باید به متن اصلی

رجوع کرد و واژه‌های به کار رفته در متن اصلی را مبنا قرار داد. این مسئله زمانی اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند که محقق قصد برداشتی ادبی یا تاریخی از تحلیل واژگان داشته باشد. با توجه به کمبود دانش زبانی از زبان‌های اصلی کتاب مقدس (عبری و یونانی) در فضای ایران، می‌توان پیشنهادی را برای کسانی که با این زبان‌ها آشنایی ندارند ارائه کرد و آن رجوع به پژوهش‌های دست‌دوم درباره‌ی واژگان کتاب مقدس است. همچنان که درباره‌ی قرآن مفردات الفاظ و منابع مشابه آن تدوین شده است، اکنون سایت‌ها، کتاب‌ها و دانش‌نامه‌های متعددی (البته به زبان‌های اروپایی) در این باره وجود دارند که می‌توانند به پژوهش‌گر برای شناخت واژگان کمک کنند. به‌ویژه آنکه با توجه به اهمیت واژگان اصلی در این نوع پژوهش‌ها، لازم است شکل اصلی کلمات نیز ثبت شود. نمونه‌ی خوبی از ثبت اصل کلمات و نیز آوانگاری این کلمات به‌شکل فارسی (با استفاده از اعراب‌گذاری) و حروف انگلیسی را می‌توان در مقاله‌ی شبانی و کندری (۱۳۹۶) مشاهده کرد. در این مقاله به‌علت ذکر اصل کلمات عبری و نیز آوانگاری فارسی و لاتین آنها، کار برای خوانندگان به‌جهت رجوع به متن کتاب مقدس بسیار تسهیل شده و امکان سنجش صحت ارجاعات پدید آمده است. نمونه‌ی جالبی برای استفاده از منابع ثانویه برای فهم متن در مقاله‌ی پیرامون معنای واژه «ذوالقرنین» با مراجعه به نمونه‌های کتاب مقدس دیده می‌شود. در این اثر نویسنده گرچه آشنایی اجمالی با عبری دارد، برای فهم متن عبری از کتاب العهد القديم العبری که ترجمه‌ی واژه‌به‌واژه عهد عتیق از عبری به عربی است، استفاده می‌کند (قهرمانی‌مقبل، ۱۳۹۰). استفاده از منابع ثانویه البته خطر مواجهه با تفسیر و نه خود متن اصلی را دارد و خوانندگان باز هم باید با احتیاط و منظری انتقادی با نتایج این پژوهش‌ها مواجه شوند.

البته مسئله‌ی رجوع به منابع دست‌دوم در تحلیل واژگان در هنگام رجوع به قرآن نیز مطرح است. یکی از اشکالات به‌ویژه در بررسی وام‌واژه‌های قرآنی — که به‌دلیل اشارات قرآن به مفاهیم یهودی و مسیحی در مطالعات مقایسه‌ای به‌وفور یافت می‌شوند — تکیه بر آثاری مانند مفردات راغب اصفهانی است. چنین آثاری به‌دلیل ناآگاهی نویسنده از زبان‌شناسی معمولاً صرفاً بر سنت پیشین مبتنی است و نه تحلیل‌های قابل اعتماد. در این موارد می‌توان مراجعه به کتاب واژه‌های دخیل قرآن آرتور جفری را به پژوهش‌گران پیشنهاد داد. البته باید توجه داشت که کتاب جفری نباید یگانه منبع باشد، زیرا دانشمندان

تحلیل‌های جدیدتری از بسیاری از واژه‌ها به دست داده‌اند. در واقع مزیت یک پژوهش بر پژوهش دیگر (فارغ از زمان ظهورشان) روشمند بودن و مبتنی بودن بر پژوهش‌های روشمند پیشین است و چنین چیزی به کتاب جفری نسبت به کتاب راغب برتری می‌دهد. به طور کلی همه منابع اولیه و ثانویه باید با نگاه انتقادی خوانده و فهمیده و استفاده شوند.

۲.۲.۳ خلط معنای مندرج در تفاسیر با معنای خود متن

یکی از مهم‌ترین اشکالات مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس این است که نویسنده مشخص نکرده است که آیا فقط متون را مقایسه می‌کند یا اینکه تفاسیر را هم در بررسی خود دخالت می‌دهد. نویسندگان مقاله‌ای درباره «معاد در قرآن و عهدین» می‌خواهند به کسانی پاسخ دهند که «تصور می‌کنند در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان (عهد عتیق و عهد جدید) به مسأله معاد توجهی نشده است» (وحیدی و بشیری‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۱۴). یکی از اموری که در مقاله مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که «در تورات آیات متعددی وجود دارد که مضمون آنها به روشنی بر احیاء مردگان و معاد اشاره دارد» (همان، ۱۱۵). اما نه تنها اشارات عهد عتیق به معاد چندان روشن نیست، بلکه باور یهودیان به حیات پس از مرگ (که در این دین آموزه‌ای بسیار جدی است) پس از شکل‌گیری کتاب مقدسشان پدید آمده است (Hirschberg 2006). البته حاخام‌های یهودی از همان آغاز (به‌ویژه در تلمود) کوشیده‌اند آیاتی از کتاب مقدس را به گونه‌ای تقطیع و تأویل کنند تا باور به معاد را تأیید کند. مقاله فوق نیز از همین تأویلات یهودی الهام گرفته است، در حالی که ظاهر کتاب مقدس یهودیان آشکارا نبود هیچ اشاره‌ای به معاد را در آن تأیید می‌کند. مشکل این مقاله در این است که میان تفاسیر تأویلی از متن کتاب مقدس و خود آن متن هیچ فاصله‌ای نمی‌گذارد. در حالی که اکثر نویسندگان مسلمان در بررسی‌های مقایسه‌ای خود، قرآن را با استفاده از تفسیر و کتاب مقدس را بر مبنای ظاهرش می‌فهمند، نمونه متفاوتی در مقاله «مسیح‌شناسی در قرآن و عهد جدید» دیده می‌شود. در این اثر نویسندگان هنگام بررسی مسیح‌شناسی عهد جدید بسیاری از مطالبی را که بعداً به الاهیات مسیحی اضافه شده و در ظاهر عهد جدید وجود ندارد (مانند الوهیت عیسی، تثلیث و تجسد و...) لحاظ می‌کنند، در حالی که در بررسی قرآن به ظاهر کفایت می‌کنند (اشرفی و قربانی، ۱۳۹۰).

البته دخالت دادن تفاسیر به دو شرط مشکلی ندارد: نخست آنکه در مورد قرآن کریم و کتاب مقدس به‌طور یکسان به تفاسیر ارجاع شود، نه اینکه ظاهر یک کتاب با معنای کتاب دیگر بر اساس سنت تفسیری مقایسه شود (العکلی، ۱۳۹۴). دوم آنکه، خود نویسنده التفات داشته باشد که سنت تفسیری با ظاهر متن متفاوت است. برای نمونه، مژگان سرشار در بررسی تطبیقی تفاسیر کتاب مقدس و قرآن کریم، آگاهانه بین فهم و تفسیر مسلمانان از قرآن با قرآن تمایز گذاشته است و از این‌رو، به مقایسه تفاسیر مسلمانان با عهد عتیق (و سنت یهودی) پرداخته است تا دریابد «مسلمانان برای فهم قرآن کریم چه بهره‌هایی از ادبیات کتاب مقدس گرفته‌اند و کاربرد متون دینی یهود در تفاسیر اسلامی بر پایه چه ضرورت‌ها، در پی چه اهدافی، و با چه ضوابطی صورت می‌گرفته است» (سرشار، ۱۳۹۴: ۱۱). همچنین باید توجه داشت که یکی از اشکالات رایج هنگام رجوع و استناد به تفاسیر، نسبت دادن باور یا رفتاری خاص به کل یهودیان یا کل مسیحیان است. این اشکال مختص مطالعات مقایسه قرآن و کتاب مقدس نیست و در بسیاری از مطالعات ادیانی در ایران مشاهده می‌شود. باید توجه داشت که این نگرش روا نیست، زیرا نه کل یهودیان و نه کل مسیحیان در طول زمان و در مکان‌های مختلف و نحله‌های گوناگون یک‌دست نبوده‌اند. لذا هنگام استناد به یک تفسیر باید تعیین شود که آن تفسیر مربوط به کدام گروه و یا کدام دوره تاریخی است. عدم دقت در چنین کاری مانند آن است که محقق بر اساس یک تفسیر صوفیانه خاص یا یک تفسیر ظاهرگرای خاص در اسلام، نظری را به تمام مسلمانان نسبت بدهد.

۳.۲.۳ کشف معنا با استفاده از منابع واسطه و نامعتبر

یکی از مشکلات رایج در مطالعات ادیان به‌طور کلی و مطالعات کتاب مقدس در ایران به‌طور خاص استفاده از منابع نامعتبر است. مقصود از منبع نامعتبر اثری است که بیش از آن‌که واقعیت تاریخی را به‌صورت روشمند کشف یا گزارش کند، مبتنی بر شنیده‌ها یا منابع نامعتبر دیگر یا تحت تأثیر سوگیری‌های گمراه‌کننده است. برای نمونه، فهم کتاب مقدس با رجوع به تفاسیر اسلامی، کتاب‌های تاریخی مسلمانان یا قصص الانبیا درست نیست. زیرا این آثار معمولاً سوگیری‌هایی را در فهم دخالت می‌دهند یا با روش علمی و دانش زبانی کافی نوشته نشده‌اند. برای نمونه در یکی از مقالات بررسی‌شده، نویسنده ادعای شراب‌نخوردن یوسف را با ارجاع به کتاب داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن

و بازتاب آن در ادبیات فارسی اثر محمدحمید یزدان پرست لاریجانی (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۰) مستند می‌سازد. در همین مقاله بسیاری از مطالب مقایسه‌ای درباره کتاب مقدس و قرآن کریم نه با ارجاع به خود آن متون بلکه با ارجاع به کتاب از عمق چاه تا اوج ماه: تفسیر سوره یوسف به قلم عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲) یا مقایسه قصص در قرآن و عهدین به قلم عباس اشرفی (تهران: دستان، ۱۳۸۲) سامان داده شده است.

یکی از مسائلی که معمولاً در دین‌پژوهی ایرانی مورد غفلت قرار می‌گیرد، به‌روز بودن این رشته مانند هر رشته علمی دیگر است. در دین‌پژوهی نیز یافته‌های جدید و یا طرح رویکردها و پارادایم‌های جدید باعث می‌شوند که کتاب‌ها و نظرات کهنه نیاز به بازنگری داشته باشند. علاوه بر این نظرات عالمان این حوزه‌های تحقیقاتی، در بسیاری از موارد متأثر از فضای فکری اوست، به‌گونه‌ای که از تأکیدات و رویکردهای یک اثر به‌راحتی می‌توان دغدغه‌های محلی و زمانی آن را فهمید. به همین جهت کتاب تاریخ جامع ادیان جان بایر ناس (انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۴۵) گرچه برای بسیاری از دین‌پژوهان ایرانی آموزنده و مفید بوده است، امروزه باید با دید انتقادی فهمیده شود. برداشت‌های نویسنده - که روحانی‌ای مسیحی بوده است - از ادیان مختلف با بسیاری از رویکردهای معاصر سازگار بوده، اما امروزه می‌توان آنها را به چالش کشید. مثلاً ناس تعالیم عیسی را به دو دسته دینی و اخلاقی تقسیم می‌کند، در حالی که بسیاری از مسیحیت‌پژوهان امروزی بر وجه آخرالزمانی و انقلابی رسالت عیسی تأکید می‌کنند. به همین جهت به‌ویژه اگر پژوهشی به اخلاق فرجام‌شناسانه می‌پردازد، باید در آن مراقبتی افزون‌تر صورت گیرد که نه تنها منحصرماً به برداشت‌های ناس و هم‌نسلان او تکیه نشود (کاظمی‌راد و صادق‌نیا و مفتاح، ۱۳۹۷: ۹۰)، بلکه به‌طور کلی فرجام‌شناسی عیسی با توجه به نگاه آخرالزمانی و سیاسی وی هم فهمیده شود. به عبارت دیگر، در نگارش آثار علمی-پژوهشی باید تحولات علمی را هم لحاظ کرد.

برای شناختن منبع معتبر می‌توان مؤلفه‌هایی را برشمرد، مانند روشمندی اثر، به‌روزر بودن، آزمون‌پذیری، پارادایم علمی و جایگاه اثر مورد بررسی در پژوهش‌های امروزی. از این رو می‌توان گفت شناختن منبع معتبر نیازمند اشرافی قابل قبول بر آثار و پیشینه آن رشته است. این سخن شاهدهی مجدد بر این ادعاست که کار با متون مقدس و به‌طور خاص

پژوهش‌های مقایسه‌ای متون مقدس نیازمند سطح قابل قبولی از مهارت علمی ویژه‌ای است و کسانی که در زمینه هر دو متن آگاهی لازم را ندارند به‌سادگی به منابع نامعتبر دچار می‌شوند.

۳.۳ اشکالات در انتخاب آیات مورد مقایسه

۱.۳.۳ عدم ارائه ملاک برای انتخاب آیات

انتخاب آیاتی که از هر دو کتاب باید مورد مقایسه قرار بگیرند، یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر پژوهش درباره قرآن و کتاب مقدس است. برای این کار دو راه وجود دارد: یا این‌که محقق نشان بدهد که تمام آیات مربوطه را در هر دو کتاب لحاظ کرده است؛ و یا این‌که نشان بدهد به دلایلی خاص، مقایسه خود را بر برخی از آیات مشخص کتاب بنا کرده است. اما متأسفانه در بسیاری از مقالات چنین تبیینی را مشاهده نمی‌کنیم و نویسنده روشن نمی‌کند با چه ملاک و معیاری به انتخاب آیات دست زده است تا خواننده بداند که آیا آیات دخیل به‌طور جامع از هر دو طرف برشمرده شده‌اند یا نه، و اگر تنها برخی از آیات انتخاب شده‌اند آیا این انتخاب روا بوده است یا خیر. برای نمونه مقاله «عهد در کتاب مقدس و قرآن کریم» بیان نمی‌کند که آیا تمام آیات مربوط به عهد را آورده و یا اگر نیاورده با چه ملاک و معیاری فقط این موارد را ذکر کرده است (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۲). و یا در مقاله‌ای که به بررسی تطبیقی فضایل و ویژگی‌های حضرت یوسف در قرآن کریم و تورات می‌پردازد، نویسنده «اقامه دلیل برای برائت از خود» را جزو فضایل یوسف می‌داند. اما در قرآن صراحتاً این مورد را جزو فضایل یوسف نشمرده است و از آنجا که نویسنده نیز تبیین نکرده است که منظور از فضایل یوسف در قرآن چیست و چگونه قرار است آیات مربوطه را انتخاب کند، معلوم نمی‌شود که چرا این آیه در مقایسه لحاظ شده است (مصلاهی پوریزدی و قاسمی‌حامد، ۱۳۹۳). گاهی نیز به نظر می‌رسد نویسندگان سعی می‌کنند تمام موارد و آیات را بیاورند، در حالی که نیازی به این امر نیست، و برخی از آیات مطرح‌شده گرچه در کل به موضوع پژوهش مرتبط‌اند اما نقشی در هدف مقایسه ندارند (سرشار، ۱۳۹۴).

۲.۳.۳ برخورد گزینش‌گرانه

ماهیت متون مقدس چنین است که در بسیاری از موضوعات می‌توان برای دیدگاه‌های متفاوت و گاه حتی متعارض شواهدی یافت. یکی از مثال‌های شناخته‌شده‌تر این مسئله آیات مربوط به گفتگوی ادیان و یا طرد دیگری دینی است. چه در قرآن و چه در کتاب مقدس، می‌توان آیاتی در تأیید هر دو طرف ادعا یافت؛ از این رو، هم آثار حامیان گفتگوی ادیان مستند به آیات متون مقدس است و هم نوشته‌های کسانی که قائل به طرد دیگری دینی هستند (نک. حقانی فضل، ۱۴۰۰، صص ۶۳ به بعد). این وضعیت را در موضوعات پرشماری می‌توان مشاهده کرد. از این رو، یکی از مواردی که محققان باید از افتادن در دام آن بپرهیزند، انتخاب گزینشی است. آقای میبیدی و مهدوی فرد (۱۳۹۸) هنگامی که می‌خواهند ثابت کنند عمل به کتاب مقدس مسیحیان لاجرم به خشونت می‌انجامد و عمل به قرآن کریم به رفتار مهربانانه با دیگری دینی منجر می‌شود (و ادعا می‌کنند رفتارهای مسیحیان و مسلمانان به ترتیب در جنگ‌های صلیبی و فتح اندلس این روند را بازتاب می‌دهد)، آیات به اصطلاح خشونت‌آمیز را از کتاب مقدس مسیحیان و آیات رأفت‌آمیز را از قرآن کریم انتخاب می‌کنند و حتی می‌گویند در حالی که به گفته اناجیل عیسی برای «گذاردن شمشیر» مبعوث شده، در قرآن کریم حتی یک بار واژه «سیف» نیامده است (آقای میبیدی و مهدوی فرد، ۱۳۹۸: ۸۹). روشن است که این نویسندگان برای اثبات مدعای خود ناچارند آیاتی مانند انفال ۶۰، نساء ۸۹، توبه ۲۹ و ۱۲۳ را که اندیشه جنگ عادلانه از منظر اسلامی را می‌پروراند، لحاظ نکنند و عبارت‌هایی از کتاب مقدس را هم که قابلیت تفسیر صلح‌آمیز نادیده بگیرند.

۳.۳.۳ خارج کردن آیه از بافت

در انتخاب یک آیه به عنوان شاهد مثالی برای موضوع، باید به معنای آن آیه در بافت متن مقدس نیز توجه داشت؛ یعنی به صرف اینکه الفاظ یک آیه یا معنای اولیه‌اش مرتبط با یک موضوع است، نمی‌توان آن آیه را جزو آیات مورد استناد در مقایسه قرار داد؛ به ویژه آن‌که نوشته‌های کتاب مقدس تاریخ و ادبیات خاص خود را دارند و در معنا کردن و فهمیدن آیات آن باید به فضای کلی آن کتاب نیز توجه داشت. مثلاً مقاله «بررسی تطبیقی فضایل اخلاقی یوسف» با اشاره به اینکه «یوسف هنگام گفتگو با برادرانش بیان می‌دارد که خداوند

او را از قبل برای بقای حیات آنها به مصر فرستاده است»، «مایه نجات خانواده بودن» را از جمله ویژگی‌های یوسف در کتاب مقدس می‌داند (مصلائی پوریزدی و قاسمی‌حامد، ۱۳۹۳، ۱۶۵). این نحوه برداشت از این آیه تحت تأثیر مفاهیم و فضایل خانواده‌دوستی است. اما می‌دانیم که موضوع سفر پیدایش داستان برگزیدگی فرزندان یعقوب است و این سخنان و رفتار یوسف را باید در ذیل همین برگزیدگی فهمید و نمی‌توان به راحتی مدعی شد که مراد از سخنی که از یوسف نقل شده، خانواده‌دوستی و یا محوریت خانواده در اندیشه یوسف است. چنین برداشتی کاملاً به بافت کتاب پیدایش بی توجه است. به علاوه، مفاهیمی چون «خانواده» در گذشته شکلی متفاوت داشته و احتمالاً تفسیر رفتارهای یوسف را براساس خانواده‌دوستی به معنای امروزی آن دچار بی توجهی به تفاوت‌های تاریخی مفاهیم نیز باشد.

باید به آیات قبل و بعد آیه نیز توجه داشت؛ زیرا بی توجهی به این بافت گاهی به گزینش‌گری در نقل آیات منجر می‌شود. مقاله «بررسی تطبیقی حرمت نوشیدن شراب در قرآن کریم و عهدین» که مدعی است در آیات متعددی از عهد عتیق نوشیدن شراب سرزنش و ممنوع شده است (کمیحانی و کاظمی‌مقدم، ۱۳۹۷)، در هنگام اشاره به این آیات به این عبارت از اشعیا استناد می‌کند: «وای بر آنان که صبح زود برمی‌خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید...» (اشعیا، ۵: ۱۱-۲۲). اما با رجوع به بافت این قسمت از اشعیا معلوم می‌شود که مراد از این آیه، بیان حرمت شراب و ممنوعیت نوشیدن آن نیست؛ اشعیا در این قسمت مردم را سرزنش می‌کند که غرق دنیا شده‌اند و لذا در سه آیه بالاتر می‌گوید: «وای بر شما که خانه‌ها و مزارع بیش‌تری می‌خرید و به آنچه دارید می‌افزایید. به زودی جایی برای زندگی دیگران باقی نمی‌ماند و شما در این زمین تنها خواهید ماند» (اشعیا، ۵: ۸). این مقاله همچنین مدعی می‌شود این حکم کتاب مقدس که فرد نذیره می‌باید از شراب و مسکرات پرهیز نماید، نشان‌دهنده نظر خداوند درباره شراب است (اعداد، ۶: ۳)؛ اما رجوع به این آیه نشان می‌دهد که فرد نذیره از خوردن آب انگور، کشمش و تمام محصولات درخت تاک منع شده است و چنین برداشتی، حتی بیش از گزینش‌گری و در واقع تحریف معنای آیه مذکور است.

۴. نتیجه‌گیری

با گسترش مطالعات مقایسه‌ای ادیان، یکی از حوزه‌هایی که امروزه به آن توجه بیش‌تری می‌شود و شاهد تولید مقالاتی در آن هستیم، مقایسه بین قرآن و کتاب مقدس است. علیرغم محبوبیت روزافزون این سنخ از مطالعات، رجوع به مقالات منتشرشده در این زمینه نشان می‌دهد که بسیاری از آنها معیارهای لازم جهت چنین مطالعه‌ای را رعایت نکرده‌اند. در مقاله حاضر کوشیدیم با آسیب‌شناسی مقالاتی که در دهه ۱۳۹۰ منتشر شده‌اند، مروری بر معیارهای لازم در این نوع پژوهش‌ها داشته باشیم. اگر هر یک از این آسیب‌ها را به‌نحو ایجابی در نظر بگیریم، می‌توان موارد مطرح شده در این مقاله را به‌عنوان معیارهای لازم برشمرد، یعنی التفات به نوع و هدف مقایسه، داشتن مسئله روشن برای مقایسه، اطمینان از یکسان بودن مفاهیم در دو کتاب، رجوع به متن اصلی، التفات به تفاوت میان خود متن و تفسیر آن، منبع‌شناسی، توجه به مجموعه آیات مورد استناد و فهم آیات با توجه به بافت ادبی و/یا تاریخی معیارهایی هستند که یک پژوهش مقایسه‌ای بین قرآن و کتاب مقدس باید رعایت کند. پژوهشگر علاوه بر اینکه باید به مهارت‌هایی خاص در کار با متون مقدس مجهز باشد، باید هدفی روشن از مقایسه داشته باشد و در کل اثر آن هدف را دنبال کند. پژوهش مقایسه‌ای تنها زمانی موجه است که بینشی نو به خواننده بدهد، نه اینکه (در بهترین حالت) صرفاً کنار هم گذاشتن فهرستی از مختصات دو متن مقدس باشد. پژوهش‌های مقایسه‌ای باید با هدفی مشخص و برای ارائه یافته‌ای نو صورت بگیرند. شاید پیامد نومیدکننده این مقاله آن است که پژوهش مقایسه‌ای متون دینی لوازم و شرایط چنان دشوار و دیریابی دارند که بهتر است پژوهشگر ابتدا خدا به ابزارهای زیادی مجهز کند تا بتواند به آن پا بگذارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله قبلاً در قالب سخنرانی در مدرسه تابستانی «مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین» (دانشگاه شهید بهشتی، ۱۱ شهریور ۱۴۰۰) و انجمن مباحثات قرآنی (قم، ۳۱ شهریور ۱۴۰۰) ایراد شده است. ما از همه شنوندگانی که در این جلسات نکاتی را بیان کردند، سپاسگزارم. هم‌چنین از حسن اجرایی، نعیمه پورمحمدی و زهرا ثقفی که نسخه‌های ابتدایی این مقاله را خواندند و نیز

از یکی از داوران نشریه که مقاله را با دقت نظر ارزیابی کرده بودند، بسیار متشکریم. درعین حال تمام مسئولیت مقاله بر عهده نویسندگان است.

۲. این الاهیات را الاهیات مبتنی بر کتاب مقدس (biblical theology) می‌نامند؛ چراکه بر اساس کتاب مقدس (Bible) است؛ اما از آنجا که می‌توان این نوع الاهیات را درباره قرآن نیز به‌کار گرفت، بهتر است که آن را الاهیات مبتنی بر متن مقدس بنامیم و می‌توان معادل انگلیسی آن را scriptural theology دانست. این الاهیات بسیار به تفسیر موضوعی شبیه است؛ زیرا در هر دو بررسی می‌شود که متن مقدس درباره موضوعی خاص (مثلاً عدالت، خانواده، مسئله شر و...) چه می‌گوید.

۳. این نکته به ویژه از آن جهت مهم است که «کتاب مقدس» یا Bible برای خوانندگان گوناگون معنایی متفاوت دارد. مسیحیان پروتستان و کاتولیک و یهودیان این کلمه را برای کائنات‌های متفاوتشان به کار می‌برند. همچنین یهودیان از ترجمه سبعینیه استفاده کرده‌اند و مسیحیان پیروی کلیسای رم هم به ترجمه لاتینی مشهور به ولگاتا را کتاب مقدس خود می‌دانستند و روشن است که ترجمه با متن اصلی فاصله‌ای دارد. بنابراین مصادیق واژه «کتاب مقدس» بسیار نامشخص و متعدد است. برای مطالعه بیشتر در این باره، نک:

James Bowley and John Reeves (2003), "Rethinking the Concept of 'Bible': Some Theses and Proposals," *Henoah* 15: 3-18.

<https://www.marquette.edu/maqom/rethinkingbible.pdf>.

۴. مفهوم نژاد به معنای مرزگذاری علی‌الادعاء مبتنی بر تفاوت‌های زیستی است که بار تفاوت‌گذاری اجتماعی به ویژه در تقسیم کار و حضور در فضای عمومی داشته است. این مفهوم در قرن هفدهم ظهور یافته است. جهت اطلاع بیشتر، نک: "The History of the Idea of Race," <https://www.britannica.com/topic/human-race/The-history-of-the-idea-of-race>.

کتاب‌نامه

آرمسترانگ، کارن (۱۳۸۵)، تاریخ خداآوری: ۴۰۰۰ سال جستجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام. ترجمه بهزاد سالکی و بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آقایی میدی، احمد و امیرعباس مهدوی‌فرد (۱۳۹۸)، «رفتار مسلمانان و مسیحیان در فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی: انعکاس نگاه قرآن و کتاب مقدس به برخورد با دشمنان در جنگ»، معرفت ۲۶۰: ۷۹-۹۰.

اشرفی، عباس و فاطمه قربانی (۱۳۹۰)، «مسیح‌شناسی در قرآن و عهد جدید»، پژوهش‌های قرآنی ۶۵ و ۶۶: ۳۵۲-۳۷۱.

- پیترز، فرانسیس ادوارد (۱۳۸۴)، یهودیت، مسیحیت، اسلام. ترجمه حسین توفیقی. قم: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهشها ادیان و مذاهب.
- توحیدی فرد، محمدحسین و ابراهیم نوری (۱۳۹۴)، «جایگاه عفو و گذشت در ادیان اسلام و مسیحیت (مطالعه موردی در قرآن کریم و کتاب مقدس مسیحیان)»، تغییرات اجتماعی-فرهنگی ۴۶: ۷۰-۸۵.
- توفیقی، حسین (۱۳۹۵)، تفسیر پنج موضوع قرآنی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- توفیقی، فاطمه (۱۳۹۰)، «مفهوم "فرزندان خدا" در کتاب مقدس و قرآن مجید»، هفت آسمان ۵۰: ۷۳-۹۸.
- حسینی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۱)، «نقش فرشتگان در تدبیر جهان در قرآن و عهدین»، ادیان و عرفان ۲: ۱۱-۳۸.
- حقانی فضل، محمد (۱۴۰۰)، تأثیر گفتگوی ادیان بر تفسیر متون مقدس. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب (در دست انتشار).
- زروانی، مجتبی و ابراهیم موسی‌پور (۱۳۸۴)، «نبوت در دین‌های یهود و مسیحیت (بر اساس کتاب مقدس)»، اسلام‌پژوهی ۱: ۲۱-۵۰.
- سرشار، مژگان (۱۳۹۴)، «داستان هابیل و قابیل در تفاسیر اسلامی: نمونه‌ای از کاربرد ادبیات کتاب مقدس برای فهم مبهمات قرآن کریم»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث ۵۷: ۷-۳۶.
- سمنون مهدی، مرتضی و سمیه امینی کاظمی (۱۳۹۶)، «مقایسه مکالمات خداوند و پیامبران در قرآن و عهد عتیق»، پژوهشنامه معارف قرآنی ۲۹: ۲۹-۵۷.
- شبانلی، اعظم سادات و سهیلا جلالی کندری (۱۳۹۶)، «توصیفات قرآن کریم و کتاب مقدس یهودیان از دشمن»، انسان‌پژوهی دینی ۳۸: ۱۸۷-۲۱۳.
- شبانلی، اعظم سادات، سهیلا جلالی کندری و لیلا هوشنگی (۱۳۹۵)، «تعامل با بیگانگان از منظر کتاب مقدس عبری، تلمود و قرآن کریم»، معرفت ادیان ۲۷: ۷-۲۴.
- صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۹۷)، «الاهیات تطبیقی: تلاشی برای توسعه فهم متون مقدس»، مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس ۱: ۳۱-۴۸.
- صالح، سید محمدحسن (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی مکان‌ها و زمان‌های مقدس در قرآن و کتاب مقدس»، معرفت ۲۴۷: ۷۷-۸۹.
- طباطبایی، محمدعلی و محمدعلی مهدوی راد (۱۳۹۷)، «تاریخ انگاره تحریف بابیل در مجادلات مسیحی-اسلامی»، تاریخ اسلام ۱۹: ۷۴، ۱۳۷-۱۷۹.

مطالعات مقایسه‌ای متون مقدس ... (فاطمه توفیقی و محمد حقانی فضل) ۲۷

- کدکنی، هاشم و محمد فاکر میبیدی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی انتخاب طالوت به عنوان پادشاه بنی اسرائیل در تفسیر قرآن و عهد عتیق»، مطالعات تفسیری ۳۳: ۱۶۱-۱۷۸.
- العکلی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی حاکمیت زن از نگاه عهد قدیم و قرآن کریم با تکیه بر داستان ملکه سبا»، هفت آسمان ۶۵-۶۶: ۱۰۹-۱۲۶.
- غفوری‌نژاد، محمود و مرضیه رسولخانی شهنانی (۱۳۸۸)، «مقایسه تطبیقی مجازات در «متون یهود و اسلام، در سه جرم قتل، زنا، سرقت»، فقه و تاریخ تمدن ۲۲: ۱۳۱-۱۶۱.
- قهرمانی، مقبل، علی اصغر (۱۳۹۰)، «دلالت‌های معنایی «قرن» در زبان عربی و عبری و ارتباط آن با «ذوالقرنین» در قرآن کریم و کتاب مقدس»، پژوهشنامه نقد ادب عربی ۲: ۹۷-۱۱۸.
- کاظمی‌راد، رضا و مهرباب صادق‌نیا و احمدرضا مفتاح (۱۳۹۷)، «اخلاق فرجام‌شناسانه؛ مقایسه اخلاق معطوف به آخرت در قرآن و کتاب مقدس با تأکید بر شیعه و کاتولیک»، عصر آدینه ۲۶: ۸۹-۱۱۴.
- کاوه، محمد (۱۳۹۱)، «شفاعت عقوبت و نجات در قرآن و عهدین»، پژوهش‌های اعتقادی و کلامی ۸: ۱۱۷-۱۴۶.
- کمجانی، داود و روشنک کاظمی مقدم (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی حرمت نوشیدن شراب در قرآن کریم و عهدین»، مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی ۶: ۵۵-۸۱.
- محسنیان راد، مهدی و ناصر باهنر (۱۳۹۰)، «هنجارهای مرتبط با مکان‌ها و زمان‌های مقدس در سه کتاب مقدس»، الاهیات تطبیقی ۵: ۳۵-۷۲.
- محسنیان راد، مهدی و محسن الویری (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل ضمانت‌های اجرایی منفی در تورات، انجیل و قرآن کریم»، اندیشه نوین دینی ۲۸: ۶۳-۸۶.
- محسنیان راد، مهدی و محمدهادی همایون (۱۳۹۷)، «هنجارهای مرتبط با پیامبران در سه کتاب مقدس»، دین و ارتباطات ۵۴: ۱۴۱-۱۹۳.
- مصلاهی پوریزدی، عباس و مرتضی قاسمی حامد (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی فضایل اخلاقی و ویژگی‌های حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن کریم و تورات»، آموزه‌های قرآنی ۲۰: ۱۴۹-۱۷۴.
- نعمتی پیرعلی، دل‌آرا (۱۳۹۲)، «عهد» در کتاب مقدس و قرآن کریم»، معرفت ادیان ۱۴: ۵-۲۴.
- وحیدی، شهاب‌الدین و کبری بشیری‌نیا (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی معاد در قرآن و عهدین»، کتاب قیم ۱۴: ۱۱۳-۱۳۴.
- وصفی، محمدرضا و سید روح‌الله شفیعی (۱۳۹۲)، «نبی» و «رسول» در کتاب مقدس و قرآن»، مطالعات تاریخ اسلام ۱۸: ۱۹۹-۲۳۱.

Hirschberg, Haim Z'ew (2006), "Eschatology." Encyclopedia Judaica. Eds. Fred Slonik and Michael Berenbaum. Detroit: Thomson Gale, 489-503.

